

آموزش حقوق مالی زوجه تعیین نفقه - اجرت المثل ایام زوجیت

مدرس - محمد رضا ربانی - پاییز ۱۴۰۳

خانواده هستی اصلی تمدن



خانواده مهمترین نهاد اجتماعی است و بنیان هر جامعه ای را تشکیل می دهد. حفظ بنیان خانواده و تحکیم روابط خانوادگی همواره یکی از بخش های مورد توجه دولت هاست.

دولتها همواره برای این منظور برنامه ریزی های مدونی دارند و بخش عمده ای از بودجه دولت ها مستقیم یا غیر مستقیم با هدف تقویت بنیان های خانواده هزینه می شود.

روابط خانواده در وهله اول بر پایه ارزش های اخلاقی و رفتاری عرفی تنظیم می شود. اما روابط خانوادگی هم مثل هر پدیده اجتماعی دیگر نیازمند قواعد مدونی است که با ایجاد حق و تکلیف برای افراد، روابط اجتماعی را نظم و نسق ببخشد.

● حقوق خانواده در ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تنها قانون اساسی دنیا است که در مقدمه آن به مساله خانواده پرداخته شده است در اصل ۱۰ قانون اساسی آمده است:

خانواده واحد بنیادین جامعه و مرکز اصلی رشد تعالی انسانهاست، کلیه قوانین مقررات و برنامه ریزی های کشور باید در راستای ارتقا و استحکام بنیان خانواده می باشد.

دلایل اهمیت خانواده در اسلام عبارتند از:

- ۱) بقای انسان و تولید مثل
- ۲) کسب استقلال و بالندگی در سایه تلاش
- ۳) حفظ عفت و معصومیت از گناه
- ۴) ایجاد آرامش و تامین اجتماعی از طریق تربیت فرزندان سالم و

صالح

حقوق مالی زوجه

- حقوق مالی زن در زندگی مشترک، بسته به موقت یا دائم بودن عقد نکاح، متفاوت می باشد و برخی از آن ها، در عقد موقت، وجود ندارند؛ اما، با این حال، به طور کلی، حق مهریه، حق نفقه، حق اجرت المثل، حق ارث، حق تنصیف اموال، در صورت قبول شرط تنصیف، هنگام عقد از سمت مرد و حق دریافت مستمری شوهر، بعد از فوت وی، از جمله حقوق مالی و سهم زن در زندگی مشترک هستند.

نقعه زوجه

به موجب ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، نقعه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب زن از قبیل مسکن، البسه، غذا و اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم، در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.

به عبارت دیگر نقعه عبارت است از چیزی که برای گذران زندگی لازم و مورد نیاز باشد.

نکته: مواردی که در قانون برای نقعه ذکر شده تمثیلی است و شوهر باید تامین وسایل زندگی کردن همسر و فرزندان را بر عهده بگیرد. این نیازها را عرف تعیین می کند.

شرط وجوب نفقه زوجه

برای اینکه نفقه به زن تعلق بگیرد دو شرط لازم است:

۱- عقد دائم باشد.

۲- زن از شوهرش تمکین کند (در اصطلاح حقوقی، تمکین عبارت است از برآوردن نیازهای شوهر و اجابت کردن خواسته های مشروع او)

نقعه در ازدواج موقت

در عقد منقطع یا صیغه، زن حقی برای دریافت نفقه ندارد. به همین دلیل، مرد نیز الزامی به پرداخت نفقه به همسر موقت خود نخواهد داشت.

به موجب ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی، در عقد موقت زن حق نفقه ندارد. همانطور که از این ماده مشخص است، به موجب قانون مرد الزامی به پرداخت نفقه در عقد موقت نخواهد داشت. به همین دلیل زن نمی تواند برای مطالبه نفقه عقد موقت اقامه دعوا کند.

”در عقد موقت زن حق نفقه ندارد؛ مگر اینکه شرط شده باشد یا عقد بر مبنای آن جاری شده باشد“

نفقه زوجه مطلقه

نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد اما اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حق نفقه خواهد داشت.

نفقه در ایام عده وفات

بر اساس ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی، در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمین می شود.

زن پس از مرگ شوهرش نفقه دریافت می کند و این نفقه در صورتی که مرد، خود دارایی داشته باشد، از دارایی او و در غیر این صورت از اموال اقارب که پرداخت نفقه بر عهده آنهاست تأمین خواهد شد.

مقدار نفقه

نفقه شرعا اندازه ای ندارد؛ بلکه قاعده این است که مرد باید آنچه را که زن [برای یک زندگی متعارف] به آن نیاز دارد را برای او تهیه کند؛ مانند غذا، پوشاک، محل سکونت و وسائلی که برای و پخت و پز و نظافت و مانند آن.

خوراک

باید به مقداری باشد که او را سیر کند. از نظر نوع و کیفیت نیز ملاک غذایی است که برای امثال آن زن در شهرش متعارف است. همچنین نوع غذا باید با مزاج او سازگار باشد به طوری که ترک یا تحمیل آن ضرری را متوجه او نکند.

در جنس و نوع پوشاک نیز رعایت پوشاک متعارف شهر و دیار او و نیز متناسب با شأنش لازم است. به گونه ای که اگر از صاحبان تجمل باشد واجب است که علاوه بر لباس بدن، لباسی به حسب حال امثال او، برایش تهیه شود.

در تهیه مسکن نیز ملاک همان رعایت متعارف و متناسب با شأن امثال این زن ملاک است. با توجه به این نکته که در موضوع مسکن، زن می تواند از شوهر بخواهد که برای او مسکن مستقلی تهیه کند (خودش باشد و همسرش)؛ چه به خریدن باشد و چه به اجاره و امثال آن.

دریافتهای نقدی

اگر شوهر هزینه خوراک همسر را به صورت نقدی به او پرداخت کرد؛ ضمن آنکه وظیفه از عهده اش ساقط شده است؛ زن نیز مالک آن گشته و مرد حقی در آن پول داده شده ندارد؛ زن نیز نمی تواند مرد را ملزم به پرداخت همیشگی نفقه نقدی کند.

مواردی از نفقه که زن مالک نمی شود

به غیر از خوراک، در سایر موارد آنچه که مرد برای رفع نیازهای متعارف زندگی؛ مانند پوشاک و مسکن در اختیار زن قرار می دهد تا وقتی که رسماً به تملیک زن درنیاورده است همگی جزء اموال مرد محسوب شده و مرد مالک تمام آنها است. برای مثال لباسی را که مرد برای پوششش به زن داده است؛ زن نمی تواند بدون اجازه او بفروشد و یا به دیگری ببخشد.

نقعه اولاد

نقعه در لغت به معنی هزینه، خرج و مخارج هر روزه و به طور کلی خرجی آمده است. قانون مدنی در ماده ۱۱۹۹ در بحث الزام به انفاق نقعه ی اولاد را بر عهده پدر قرار داده و سپس در ماده ۱۲۰۴ اقدام به تعریف آن در قالب تمثیل پرداخته و آن را عبارت دانسته از ” مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت و با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق

قانون گذار در رابطه با مبلغ نقعه ساکت و تنها به صورت تمثیلی مواردی را که مشمول نقعه فرزند می گردند را نام برده است. لذا در بحث مبلغ نقعه فرزند، باید بدانیم که مبلغ دقیق وجود ندارد ولکن با در نظر گرفتن کلیه شرایط و اوضاع و احوال جامعه و نیازهای عرفی فرزند، توسط کارشناس رسمی دادگستری تعیین می گردد که در این راستا علاوه بر نیازهای عرفی جامعه که در برآورد مبلغ نقعه، مورد لحاظ قرار می گیرد، استطاعت منفق نیز مد نظر است.

نقعه دختر مطلقه

نقعه دختر مطلقه بر عهده پدر نیست.
مگر در صورتی که دختر نتواند هزینه زندگی خود را تامین کند.

استتکاف از پرداخت نفقه

ضمانت اجرای حقوقی عدم پرداخت نفقه زن

مطابق ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی زن می تواند در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه، به محکمه رجوع کند. در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد. همچنین طبق ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می نماید.

ضمانت اجرای کیفری عدم پرداخت نفقه زن

مطابق ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری محکوم می شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت، در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می شود. بر اساس تبصره این ماده نیز امتناع از پرداخت نفقه زوجه ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است .

اجر ت المثل ايام زندگی مشترک



اجرت المثل ایام زندگی مشترک

طبق شرع و قانون زن و مرد پس از تشکیل زندگی مشترک، وظایف و تکالیفی در قبال یکدیگر دارند و باید آنها را انجام دهند. وظایف و تکالیف شرعی و قانونی مرد بر خلاف زن متعدد است. مثل ریاست خانواده، پرداخت مهریه، پرداخت نفقه همسر و فرزندان، حفاظت از بقای خانواده و اعضای آن و... ولی زن تنها موظف به تمکین از همسر خود می باشد.

چیزی که در اینجا اهمیت دارد این است که زن برای هر عملی که غیر از وظیفه شرعی و قانونی خود در خانه شوهر انجام دهد مستحق اجرت است و می تواند تحت شرایطی در قبال هر عملی از جمله کارهای خانه، آشپزی، شیر دادن و نگهداری از فرزندان و... از همسر خود اجرت و بهای کارهای انجام شده را مطالبه کند. اگر میزان این اجرت از قبل به صراحت در شروط ضمن عقد مشخص نشده باشد، باید توسط کارشناس و با توجه به اوضاع احوال و شان اجتماعی زن، توان مالی مرد، کارهای انجام شده و... محاسبه و مشخص شده و به زن پرداخت شود.

اجرت المثل ایام زندگی مشترک

ماده ۳۳۶ قانون مدنی مقرر می دارد: «هر گاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است.»

بنابر ماده فوق هر کسی که به دستور دیگری عملی را انجام دهد که برای آن عمل عرفاً دست مزدی پرداخت می شود مستحق دریافت آن دستمزد عرفی خواهد بود. زن هم در زندگی مشترک از این قاعده مستثنی نیست. لذا اگر کاری در خانه شوهر انجام دهد که برای آن عرفاً مزد پرداخت می شود، مستحق دریافت اجرت المثل خواهد بود.

همچنین در بند الف تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق که در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۷۱ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید مقرر شد که چنانچه شرایط زیر محقق شود زن مستحق دریافت اجرت المثل خواهد بود.
در این ماده واحده مقرر شده است:

«چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً بر عهده وی نبوده، به دستور زوج و با نداشتن قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام شده را محاسبه و به پرداخت آن حکم می کند.»

شرایط تعلق اجرت المثل

در ضمن عقد شرط نشده باشد

تبرعی نباشد

کار شرعا به عهده زن نباشد

به دستور شوهر باشد

درخواست طلاق توسط زوج

طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء رفتار زن نباشد

عوامل موثر بر اجرت المثل

۱. تحصیلات

۲. شاغل بودن

۳. تعداد فرزندان

۴. سال های زندگی مشترک

۵. شان اجتماعی زن

تنصيف دارائيا



تنصیف دارائیا

- شرط تنصیف را می‌توان التزام و تعهدی تبعی و ضمن عقد دانست که اولاً بدلیل لزوم توافق زوجین بر آن، دارای ماهیتی قراردادی است و ثانیاً از نوع شرط فعل حقوقی موضوع بند ۳ ماده ۲۳۴ قانون مدنی است که موضوع آن «تعهد انتقال و تملیک بلاعوض تا نصف دارایی تحصیل شده زوج در زمان زوجیت، به زوجه» است. به لحاظ حقوقی بر شرط مذکور ایراداتی همچون مجهول بودن مقدار مالی که هنگام طلاق از سوی زوج به زوجه منتقل می‌گردد در زمان توافق زوجین بر شرط مزبور، بواسطه عبارت «تا نیمی از دارایی» در متن آن، و نیز عدم وجود دارایی موضوع شرط حین عقد نکاح وارد شده است.

شرایط شرط تنصیف دارایی

- ۱. وقوع طلاق
- ۲. زوج خواهان طلاق باشد
- ۳. ملاک شرط تا نصف اموال
- ۴. اموال حاصل زندگی مشترک باشد
- ۵. دارایی در زمان طلاق موجود باشد

نحله در لغت به معنی بخشش، هدیه، آیین و عقیده است. خداوند در آیه ۴ سوره مبارکه نسا در خصوص نحله فرمودند که نحله به عنوان هدیه‌ای برای زن است. پرداخت نحله طبق نظر دادگاه بر عهده مرد بوده و نمی‌توان از آن سرپیچی کرد. بر طبق دین مقدس اسلام، زن تنها وظیفه تمکین از شوهر و تربیت فرزندان را دارد و هیچ‌گونه وظیفه‌ای در قبال امور خانه و حتی شیر دادن به فرزندان ندارد. به همین دلیل نیز در صورتی که مردی بخواهد همسر شرعی و قانونی خود را طلاق دهد، زن می‌تواند دستمزد تمامی فعالیت‌های انجام‌شده را دریافت کند.

در چه صورتی نحله پرداخت می‌شود؟

مسئله‌ای که در پرداخت نحله باید بیان نمود این است که این حق مالی زن، در شرایطی خاص پرداخت می‌شود. در صورتی که زن خواهان جدایی و طلاق باشد، دادگاه برای او اجرت المثل و نحله‌ای در نظر نخواهد گرفت و مرد هیچ‌گونه وظیفه‌ای در قبال پرداخت برخی حقوق مالی از جمله نحله ندارد. نحله فقط در صورتی به زن پرداخت می‌شود که مرد بدون دلیل موجه، زندگی زناشویی را ترک کرده و یا بخواهد همسر خود را طلاق دهد.



مهر عبارت از مالی است که به مناسبت عقد ازدواج، مرد ملزم به دادن آن به زن است. درست است که انعقاد نکاح و ازدواج به تراضی طرفین است ولی آثار آن را زن و شوهر به وجود نمی آورند. همین که زن و مرد، با پیوندزناشویی موافقت کردند در وضع ویژه ای قرار می گیرند که بناچار باید آثار و نتایج آن را متحمل شوند. بنابراین مهریه نوعی الزام قانونی است که بر مرد تحمیل می شود و فقط زوجین می توانند هنگام بستن عقد یا پس از آن، مقدار مهریه را به تراضی معین سازند.

حدود بیست و چهار ماده از قانون مدنی ایران به موضوع مهریه اختصاص داده شده است اما هیچ تعریفی از آن به صورت قانونی ارائه نگردیده. ولی با توجه به مقررات مختلف درباره آن می توان مهریه را این گونه تعریف نمود:

«مهریه عبارت است از مال معینی که دارای ارزش مالی بوده و ضمن عقد نکاح از سوی زوج (مرد) به زوجه (زن) تملیک و داده می شود و گاهی ممکن است به جای مال، انجام کاری به نفع زن باشد مانند تعهد مرد به آموزش قرآن به زن».

انواع مهریه

- مهر المسمی (مقرر در عقدنامه ازدواج)
- مهرالمثل (مهریه متعارف)
- مهر المتعه (با توجه به وضعیت مالی مرد)
- مهر السنه

مهر المسمی (مقرر در عقدنامه ازدواج)

به مهریه ای که در عقدنامه های رسمی با توافق و رضایت زوجین و خانواده ها تعیین و ثبت شده است مهرالمسمی گفته می شود.

زن و مرد در تعیین میزان مهریه آزاد هستند و عملاً هیچ گونه محدودیتی ندارند و می توانند هر مالی یا کاری را که دارای ارزش مالی است را به نفع زن به عنوان مهریه قرار داد. البته دیده می شود گاهی اوقات چیزهایی را به عنوان مهریه قرار داد که حتی پیدا کردن و خریدن جزئی از آن تقریباً محال است مانند هزار رأس آهو که این سبب باطل شدن مهریه می باشد. البته باطل بودن مهریه موجب بطلان عقد نمی گردد.

مهرالمثل (مهریه متعارف)

اگر در هنگام عقد چیزی به عنوان مهریه تعیین نشود و یا این که چیزی که برای مهریه قرار داده شود مجهول باشد زوجین می توانند پس از عقد با توافق هم آن را تعیین کنند مثلاً یک دستگاه آپارتمان به عنوان مهریه بدون تعیین مشخصات و یا قیمت آن، مثل آن است که چیزی به عنوان مهریه تعیین نشده است چون آنچه که مهم است ارزش ریالی آن است که در این مثال فقط اشاره به آپارتمان شده است اما مشخصات کامل آن مثل متراژ و ارزش تقریبی آن و محل دقیق آن اشاره نگردیده است. چنانچه در زمان عقد مهریه ای تعیین نشود و یا طبق مثال قبلی، مهریه مجهول باشد، اگر قبل از تعیین آن بین زن و مرد نزدیکی انجام شود زوجه (زن) اصطلاحاً مستحق مهرالمثل می شود.

مقدار مهرالمثل بر حسب جایگاه اجتماعی و شرافت خانوادگی زن با لحاظ سایر صفات او مانند تحصیلات، شغل و اوضاع و احوال او در مقایسه با نزدیکان و فامیل و افرادی که هم رتبه و هم شان او هستند تعیین میشود. برای مثال اگر یکی از دختران فامیل که از بسیاری جهات ویژگیهایی شبیه زنی که برای او مهریه تعیین نشده است، داشته باشد و مهر او متعارف باشد، همان مهر را ملاک برای تعیین آن قرار می دهند.

مهر المتعه (با توجه به وضعیت مالی مرد)

اگر ازدواج میان زن و مرد از نوع دائمی باشد و در زمان عقد مهریه تعیین نشده یا مهریه مجهول باشد یا شرط عدم تعیین مهریه در عقدنامه ذکر شده، در صورتی که قبل از نزدیکی، طلاق واقع شود زن مستحق مهر المتعه است. برای تعیین میزان مهرالمتعه، برعکس مهرالمثل حال و شرایط و وضعیت مرد از حیث فقر و غنا در نظر گرفته می شود. یعنی اگر دادگاه حکم به عدم امکان سازش (طلاق) صادر نماید در ضمن آن حکم به پرداخت مهرالمتعه از سوی مرد به زن میشود که دادگاه با تعیین کارشناس رسمی دادگستری و یا خود می تواند تحقیق لازمه را انجام دهد و با توجه به وضعیت واقعی مرد از جهت اقتصادی و درآمدی، مبلغی را از باب مهریه تعیین کرده و مرد را ملزم به پرداخت آن به زن جهت اجرای صیغه طلاق می نماید.

در لمعه آمده است: اگر مرد زن را به کتاب خدا و سنت پیغمبر «صلی الله علیه وآله» تزویج کند مهریه قانونی او پانصد درهم است.

در شرح لمعه قیمت پانصد درهم را پنجاه دینار تعیین می کند. در جاهای دیگر آمده است که دینار برابر است با یک مثقال شرعی طلا. علت آنکه به مهرالسنه شهرت یافته این است که این میزان مهریه ای است که رسول خدا «صلی الله علیه وآله» مهریه زنان خود و دخترش فاطمه (س) قرار داده اند.

شرایط مهریه

- ۱- مالیت داشته باشد
- ۲- قابل تملک باشد
- ۳- معلوم و معین باشد
- ۴- در ملک زوج باشد

استرداد جهیزیه



استرداد جهیزیه

- مطابق عرف، زنان معمولاً در اوایل زندگی مشترک مجموعه ای از اموال منقول را که بعنوان هدیه از طرف خانواده اش به او بخشیده شده است، تحت عنوان جهیزیه به منزل همسر خود می برد، اما پس از وقوع اختلاف و به هنگام جدایی می تواند آنها را باز پس گیرد؛ چرا که مالک این اموال می باشد. البته گفتنی است که زن هر زمان بخواهد می تواند اقدام به مسترد کردن جهیزیه خود کند.
- به همین دلیل یکی از دعاوی که معمولاً در دادگاههای خانواده و در ضمن دعاوی طلاق مطرح می شود، دعاوی استرداد جهیزیه است که از جانب زن به طرفیت شوهر او اقامه می شود.
- استرداد جهیزیه به سه شیوه ممکن است که یکی از آنها توافق زوجین بر سر استرداد جهیزیه می باشد که مطابق آن، زوجین بدون اقامه هیچگونه دعوایی، بر سر این موضوع با هم توافق می کنند؛ ولی استرداد جهیزیه با داشتن سیاهه و بدون آن، در زمانی مطرح است که زوجین بر سر این موضوع دچار اختلاف شده و به توافقی نرسند.

مستندات قانونی نفقه

- مواد ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴ و ۱۲۰۵
قانون مدنی
- مواد ۴۷ و ۵۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱

